

هزینه انجام نقد ← اصولاً با خود متقید

آ ← استثناء ← در عقد ودیعه

هزینه اسرّاد مال، بر عهده مودع است

عقد ودیعه ہے اذن درنہداری محانی از مال

مودع ہے مالک مال  
مستودع (امین)

اصل برداردن مال ہے بر عہدہ مستودع

خرینہ برداردن مال ہے بر عہدہ مودع

کدام مورد در خصوص انحلال قرارداد، صحیح است؟

(۱) بطلان، از جمله موارد انحلال قرارداد است. ✗

(۲) اسباب قانونی انحلال قرارداد، حصری نیست. ✗

(۳) انحلال ارادی قرارداد، شامل عقود جایز هم می شود. ✓

(۴) برخلاف تمام اسباب قانونی انحلال قرارداد، می توان توافق کرد. ✗

فسخ  
اتاله  
انفساخ - تهی

کدام مورد در خصوص هزینه‌های انجام تعهد، صحیح است؟

- (۱) هزینه استرداد عین مستاجر در فرض انقضای اجاره، برعهده موجر است. ✗
- (۲) هزینه تأدیه ثمن از سوی خریدار، به‌عهده فروشنده است. ✗
- (۳) هزینه استرداد مورد عاریه، به‌عهده معیر است. ✗
- (۴) هزینه استرداد مورد ودیعه، به‌عهده مودع است. ✓

مستغیر

عاریه ← اذن در استناد مجانی از مال

مال مال ← معیر

استناد کننده ← مستغیر

چنانچه تعهد قراردادی به طور موقت، قابل ایفا از طرف متعهد نباشد، کدام مورد صحیح است؟

(۱) ~~X~~ در هر صورت، عقد منفسخ می شود.

(۲) ~~X~~ اگر ایفای تعهد با موضوع تعهد دارای تعدد مطلوب باشند، عقد منفسخ می شود.

(۳) ☒ اگر ایفای تعهد با موضوع تعهد دارای وحدت مطلوب باشند، عقد منفسخ می شود.

(۴) اگر ایفای تعهد با موضوع تعهد دارای وحدت مطلوب باشند، عقد قابل فسخ از سوی متعهدله است.

شخص خریدار بعد از فسخ معامله و ارسال اظهارنامه فسخ، همچنان به تصرفات خود در مال مورد معامله ادامه می دهد. این اقدام او، چه وضعیتی دارد؟

(۱) عدول از فسخ و موجب ابقای معامله است. ✕

(۲) امضا و تأیید عملی معامله است و سبب ابقای معامله خواهد بود. ✕

(۳) نوعی عقد جدید است. ✕

(۴) تصرفات وی غاصبانه است. ✓

عقدی که منحل شد، نمی شود احیاء کرد  
==

ابرا ← استقاط حق دینی

مثل اسید ہے کامل دین را از بین می برد.  
به طور کامل

استقاط حق رجوع ← دین سرچایش ہے حق مطالبہ از بین می رود  
دین تبدیل می شود به دین طبیعی

اعراض ← استقامت حق عینی

دین باید موجود باشد

موضوع ابراء - یا

حداقل سبب آن وجود داشته باشد

دین طبیعی را هم می شود ابراء کرد



۱۴۰۴ هـ تقویم مائین

کتاب قرارداد - به ازای هر روز تأخیر کتاب مبلغ وجه التزام

هنوز دینی باقی وجه التزام وجود ندارد.

چون سبب آن وجود دارد می شود ایراد کرد.

↓  
قرارداد

ایقاع  
در ابراء = اعلیت مدیون <sup>بدهکار</sup> شرط نیست  
رضایت  
← آدم مرده را هم می شود ابراء کرد

ابرء قابل رجوع نیست.

صرفاً فقر  
ابراء توسط محجور طلبکار است -

مجبور - صغیر غیر محض ← قصد دارند  
یعنی نتوانند

صغیر محض و غیر رشید ← باطل

ولی یا قیم هم نمی توانند

نَفَقَةُ لَذْنَةٍ هِيَ تَتَدَانُ هِيَ دِينَ مَوْجُودِ اسْتِ  
اِبْرَاءِ نَفَقَةِ زَوْجِهِ هِيَ  
نَفَقَةُ آئِنْدِهِ هِيَ خَمِي تَوَانُو

بَا اِيْنِ رَسِيْبِ اَنْ مَوْجُودِ اسْتِ (عَقْدِ نِكَاحِ)

وَلِي خَالِفِ نَفَقَةِ عَمُوِي اسْتِ



دینِ طبیعی قابلِ مطالبه نیست .

اگرچه نه

اگر مدیون به اختیار، پرداخت کرد

قابل استرداد نیست .

صق اگر یعنی دانست دینِ طبیعی است

(واقعہ عَصَوٰی)

الزَّیَّاتِ خَارِجٍ اَزْ قَرَارِ دَادِ:

↓ مَسْتَرِیَّتِ مِی آید کَرْدَن مَآءِ بِدَرْدَن اِیْنِ دَر قَرَارِ دَارِی

وَجُودِ دَائِمَةِ بَآئِنْدِ — بِهْ حَلِمِ قَانُونِ

عَمَلِ عَصَوٰی — اِثْرِیْ صَوْرِدِ اِرَادَةِ اَسْتِ.

وَاصِعَةِ عَصَوٰی — اِثْرِیْ صَوْرِدِ اِرَادَةِ نَبِیَّتِ بِهْ حَلِمِ قَانُونِ اَسْتِ.

غصب: استیلا      بر حق مالی غیر به نحو عدوان  
تسلط مادی      غیر مالی نه  
~~ملکات حاصلت نه~~  
بدون ضمانت یا  
مجاز قانون

تسلط معنوی نه عصب است نه در علم عصب  
ولی اگر خسارت به مال وارد شده از باب تسبیب ضامن است.



موارد در حکم عصب عصب نیست ولی قِراعِ عصب حاکم است

① اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز

شروع استیلا، با اذن بوده، بعداً بدون اذن، ادامه

پیدا کرده

انتفاء مدّت (اجاره، ردّ، عاریه...) با مطالبه مالک و امتناع با امکان

ی شود در حکم عصب

② انکار در عقد امان

(مطالبه مالک نیاز نیست)

↓ از تاریخ انکار، در حکم عیب است.

③ مقبوض به عقد فاسد  
تبعض شده  
باطل

عقد نقولی که مالک رد کنند  
(معاملات مجزن  
خرش مال موقوفه)

④ تعدی رنبره این

از تاریخ تعدی رنبره در حکم عیب

⑤ هر کس مالی را من غیر حق دریافت کند

چه بداند حق نیست چه نداند

# اصولاً به افراد نسبت به مال غیر ضمانی است

قراردادی: مثل اجاره، ودیعه، عاریه، وکالت  
بمطالعه مالک و امتناع یا امکان رد به دی شود ضمانی

استثناء به ید امانی

قانونی (رسمی) / مثل ید در نقطه در دست توقف  
در اداره فناوری مال غیر

مسئول تلف یا نقص نیست  
مگر نقدی و کنونی کرده باشد.

به شخص دسترسی به مال باید مال را به او بدهد  
و الا ید می شود ضمانی

یدِ صفائی ← همیشه مسئلہ بیانِ صفاست  
عقباء در حکم عقب

مسئلتِ مطلق

حتیٰ قوه قاهره معاف نمی‌لند.

جمع نیز معاف نمی‌لند



